



نقد و نظری بر کتاب

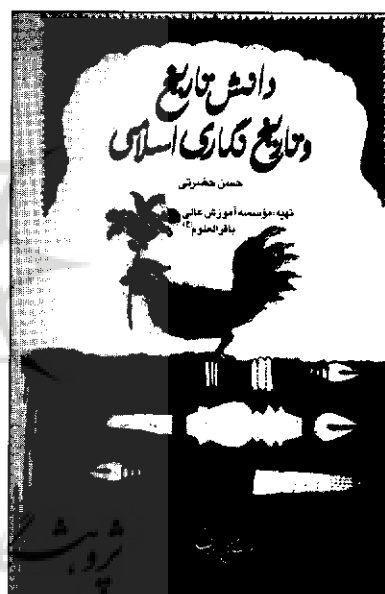
## دانش تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی

• محمد فروار

دیگر این که مورخان مسلمان تا زمان معاصر نیز به سنت‌گرایی خود ادامه داده و نگرش جدیدی که ابن خلدون و اروپاییان به تاریخ داشته‌اند را پی نگرفته‌اند. مؤلف خاطر نشان می‌سازد که تعدادی اندیشمندان مسلمان عرب از جمله: نصر حامد ابوزید، رضوان السید، وجیه الکوثرانی و... سعی دارند تحلیلی جامعه‌شناختی از تحولات تاریخ اسلام به دست داده و تاریخ را به عنوان دانشی مستقل مطرح سازند.

مقاله نخست این مجموعه با عنوان مکتب تاریخی قرآن، به قلم دکتر عزت الله رادمنش نگاشته شده است که در واقع خلاصه‌ای از کتاب مکتب‌های تاریخی و تجددگرایی تاریخ، اثر همین مؤلف است.<sup>۱</sup> نویسنده محترم در این مقاله ضمن بررسی اندیشه تاریخی در قرآن، آن را در مقامی بالاتر از دیگر مکاتب تاریخی، که به بحث درباره انسان و هستی می‌پردازند، قرار داده و به بررسی هریک از این برتری‌ها پرداخته است. از جمله ویژگی‌های مکتب تاریخی قرآن تسامح قرآن در تاریخ‌نگاری است که موضعی بالاتر از ناسیونالیسم، دیکتاتوری، نژادپرستی، بورژوازی، سرمایه‌داری و تحزب داشته و دارد. مؤلف بی‌غرضی و بی‌نظری تاریخی قرآن را ملاک علمی بودن آن برمی‌شمارد. همچنین جامعیت و کلی‌نگری و انتخاب‌گری را به عنوان یکی از ارکان بارز تاریخ‌نگاری قرآنی مورد بررسی قرار می‌دهد.<sup>۲</sup> روش تاریخ‌نگاری قرآنی را بر پایه انسان محوری می‌داند و به ذکر نمونه‌های متعدد قرآنی در این باره می‌پردازد. نویسنده مکتب تاریخی قرآن را مکتب اصالت عمل معرفی کرده و به نقد نگرش‌های تاریخی غیرقرآنی پرداخته است. از مباحث بارز این نوشته، مبحث فلسفه تاریخ در قرآن است که متأسفانه بسیار خلاصه ذکر شده است. نیز بررسی دیدگاه‌های نوگرایانه قرآن درباره تاریخ<sup>۳</sup> و تفسیر شیوه تاریخ‌نگاری سوره صافات<sup>۴</sup> در نوع خود جالب توجه است.

در مقاله دوم، با عنوان نقش نقل و روایت شفاهی در تکوین تاریخ‌نگاری اسلامی، آقای روح‌الله بهرامی به بررسی نقش روایت



■ دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی

■ گردآورنده: حسن حضرتی

■ ناشر: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات

اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۲

این کتاب شامل یک مقدمه و دیباچه و شانزده مقاله تحقیقی درباره دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی است که به قلم محققان تاریخ اسلام نگاشته شده و توسط آقای حسن حضرتی گردآوری شده است. آقای حضرتی در دیباچه خود بر کتاب به بررسی اهمیت علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی و اهمیت تحولات تاریخی در اسلوب تاریخ‌نگاری اسلامی - ایرانی می‌پردازد. وی علت عدم توجه به علم تاریخ و تاریخ‌نگاری را ناشی از دو عامل ذکر می‌کند: نخست این که در تاریخ تمدن اسلامی، تاریخ به عنوان علم شناخته نشده است و

دکتر عزت الله رادمنش  
مکتب تاریخی قرآن را  
مکتب اصالت عمل  
معرفی کرده و به نقد  
نگرش‌های تاریخی  
غیرقرآنی  
پرداخته است

## بیشتر آثار مورخان فاطمی در دوره ایوبیان و ممالیک از بین رفته و اطلاعات به دست آمده در مورد فاطمیان بیشتر توسط مورخان غیراسماعیلی اهل تسنن و در قالب تاریخ نگاری سلسله‌ای، محلی و تاریخ عمومی نگاشته شده است که آنها نیز همواره نظری مغرضانه نسبت به فاطمیان داشته‌اند

به کارگیری هم زمان نظریه‌های علوم اجتماعی و انسانی و توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد تاریخی یک سرزمین در تحقیقات تاریخی تأکید دارد. به این معنی که نمی‌توان پدیده‌های تاریخی جوامع مختلف را با استناد به یک نظریه مشترک مورد بررسی قرار داد، زیرا این امر منجر به خروج پژوهشگر از حیطه پژوهشی تاریخی و روش مناسب مورخانه خواهد شد و نوعی تحصیل حاصل صورت می‌گیرد. در مقاله چهارم با عنوان جایگاه علم تاریخ در اسلام، آقای محمد حسین جمشیدی ضمن بررسی نگاه اسلام و قرآن به تاریخ به عنوان یک معرفت و دانش بشری، جایگاه تاریخ را در اسلام، قرآن و حدیث مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این باره سؤالاتی را مطرح می‌سازد و در ادامه درصدد پاسخگویی به هریک از این سؤالات برمی‌آید. نویسنده در ابتدا تعریف‌های متعددی، به ویژه در اسلام، از تاریخ و علم تاریخ به دست می‌دهد و تاریخ را متشکل از سه عنصر سازنده «حد و مرز»، «ساختار و بستر» و «زمان و آگاهی» می‌داند. نویسنده معتقد است که طرح تاریخ به مثابه یک معرفت بشری در اسلام بسیار مقدم‌تر بر غرب بوده است. چنان که در متون اسلامی قرآن و حدیث، تاریخ به مثابه یک معرفت از همان ابتدا مورد توجه قرار گرفته، ولی در غرب این امر از اواخر قرن هجدهم اهمیت می‌یابد. در ادامه نیز اصطلاحات رایج در قرآن و حدیث درباره معرفت تاریخی مورد بررسی قرار گرفته و علل و عوامل پیدایش علم تاریخ در اسلام به اختصار تشریح شده است.

مقاله پنجم با عنوان امکان و اعتبار شناخت تاریخی، تلخیص و ترجمه قسمتی از فصل دوم کتاب شناخت گذشته نوشته آر. اف. اتکینسن است که به بررسی جایگاه علوم دقیقه در دوران ماقبل مدرن و دوران مدرن، و ویژگی‌های هریک از آنها می‌پردازد. در این مقاله که ترجمه آقای احمد گل محمدی است، پارادایم مشاهده مستقیم، عنصر اصلی علوم دقیقه به شمار آمده است. نویسنده مقاله در صدد کاهش تردید جدی در معنادار و درست بودن گزاره‌های مربوط به گذشته، به ویژه گزاره‌های واقعیت‌مند و منفرد تاریخی است و آنها را شرط لازم شناخت تاریخی می‌داند و برای این منظور و دفاع از امکان شناخت تاریخی، به نقد برداشت پارادایم مشاهده مستقیم از شناخت می‌پردازد و آن را به طور مستقیم مورد حمله قرار می‌دهد. در ادامه نیز به اهمیت نقش زمان اشاره دارد و نقش خاطره را به عنوان نوعی ارتباط مستقیم با گذشته یا جانشین مشاهده مستقیم، محدود و نه چندان مهم می‌داند و نقش آن را برای گزاره‌های مربوط به حال، گذشته و آینده یکسان تلقی می‌کند. از این رو، خطاپذیری خاطره را دلیلی برای زیر سؤال بردن اعتبار شناخت تاریخی و گزاره‌های مربوط به گذشته نمی‌داند. این مقاله

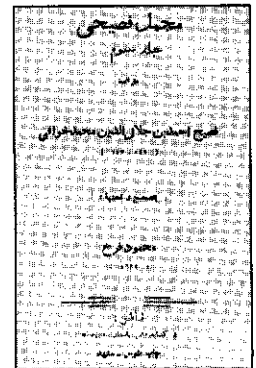
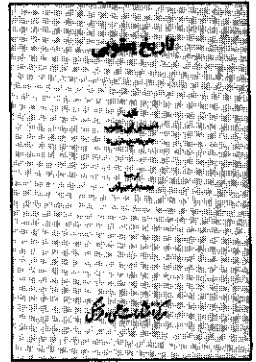
شفاهی در تاریخ نگاری اسلامی و روند این شیوه از دوران جاهلیت تا قرن چهارم هجری پرداخته است. همچنین در این مقاله جنبه‌های مختلف روایت شفاهی مانند حدیث، سیره، مغازی، شعر جاهلی و مراحل تکوین و تحول آنها مورد بررسی قرار گرفته است. شاید بهتر بود به جای بررسی شیوه تاریخ نگاری مسعودی که به کرات در این کتاب به آن پرداخته شده، روش طبری در گردآوری اطلاعات از منابع شفاهی، که نمونه قابل توجهی در مورد این شیوه تاریخ نگاری محسوب می‌شود، مورد بحث قرار می‌گرفت.

نویسنده در این مبحث روش‌های زبان شناسی نوام چامسکی<sup>۵</sup>، نظریه مکتب درون فهمی و تفهیمی و هرمنوتیکی<sup>۶</sup> و اهمیت آنها را در تاریخ نگاری مورد ارزیابی قرار داده است و نقش آنها را در نقد و بررسی متون و روایات مورخان قرن دوم و سوم هجری مؤثر می‌داند. وی روند سلطه گفتمان شفاهی عرب بر تاریخ نگاری اسلامی را به چند دوره مشخص تقسیم کرده است:

- ۱- عصر جاهلی عرب
  - ۲- از بعثت تا پایان امویان
  - ۳- از اواخر نیمه اول قرن دوم تا اوایل قرن سوم
  - ۴- قرن سوم و چهارم هجری<sup>۷</sup>
- سپس به بررسی هریک از این دوره‌ها و عوامل تأثیرگذار بر آنها می‌پردازد. نویسنده قرن سوم را نقطه عطفی در تاریخ نگاری اسلامی می‌داند که در آن شیوه‌های تاریخ نگاری جدیدی پدید آمد و افق‌های جدیدی بر تاریخ نگاری مسلمانان گشوده شد. این امر سبب گرایش مسلمانان به عقل‌گرایی در حوزه‌های معرفت تاریخی نگاری گردید.

نویسنده در پایان مقاله به بررسی اسباب و علل تحول و توسعه منابع شفاهی تاریخ نگاری مسلمانان در این دوره و کاربرد آن در تاریخ نگاری و نقش و روش دو تن از مورخان بزرگ اسلامی، محمد بن جریر طبری و ابوالحسن مسعودی می‌پردازد.

مقاله سوم این مجموعه با عنوان تاریخ، مورخ و نظریه؛ طرح مقدماتی یک دیدگاه، یکی از نوشته‌های درخور توجه است که حاوی نوآوری در نگارش مقالات مربوط به حیطه تاریخ نگاری است. مقاله با وجود اختصار و ایجاز، به یکی از مهمترین مسائل مطروحه در تاریخ نگاری کلاسیک و جدید، یعنی بحث چارچوب نظری مسائل تاریخی و دیدگاه انتقادی تاریخ نگاری کلاسیک در این مورد می‌پردازد. همچنین از لزوم وجود چارچوب نظری و دخل و تصرف مورخ در باز آفرینی وقایع تاریخی دفاع می‌کند و نظریه متافیزیک مدرنیته هایدگر<sup>۸</sup> را به عنوان تأییدی بر این مسئله مثال می‌آورد. دکتر اکبری بر رابطه دوسویه متن تاریخی و مورخ اشاره داشته و بر



## آقای روح‌الله بهرامی قرن سوم را نقطه عطفی در تاریخ‌نگاری اسلامی می‌داند که در آن شیوه‌های تاریخ‌نگاری جدیدی پدید آمد و افق‌های جدیدی بر تاریخ‌نگاری مسلمانان گشوده شد که سبب‌گرایش مسلمانان به عقل‌گرایی در حوزه‌های معرفت‌تاریخی گردید

حاوی اطلاعات و دیدگاه‌های مناسبی درباره تاریخ‌نگاری است، اما در آن بحثی از تاریخ‌نگاری اسلامی به میان نیامده است.

در مقاله ششم با عنوان تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری در عصر امویان، آقای سیدمحمد طیبی به بررسی شیوه تاریخ‌نگاری امویان پرداخته و رویه امویان برای زدودن چهره واقعی اسلام اصیل را مورد توجه قرار داده است. همچنین «مکتب شام» را که از طریق توجه ویژه ایام‌العرب و علم‌انساب، جعل احادیث، حذف خاندان نبوت و امامت و صحابه، استفاده از اخبار و تاریخ ایران قبل از اسلام، مسیحیت و یهودیت در صدد خدشه‌دار نمودن چهره واقعی اسلام و تحکیم پایه‌های حکومت امویان بوده، مورد بررسی قرار داده است. نویسنده معاویه را بنیانگذار مکتب شام می‌داند و به بررسی شرح حال و آثار تعدادی از سیره‌نویسان و مورخان عصر اموی می‌پردازد. البته شاید بهتر بود علاوه بر بررسی تک‌تک این مورخان، آثار تعدادی از مورخان برجسته این دوره نیز به گونه‌ای دقیق و مفصل بررسی می‌شد.

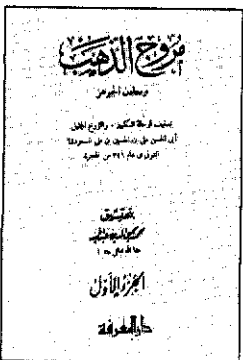
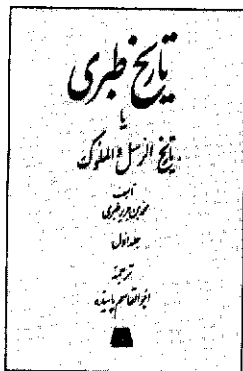
از جمله مقالات ارزنده و قابل توجه این مجموعه، مقاله درآمدی بر تاریخ‌نگاری فاطمیان نوشته آقای محمدعلی چلونگر است. وی تاریخ‌نگاری اسلامی را در حیطه حکومت فاطمیان مصر، از زمان استقرار آنها در مغرب حکومت اسلامی، از نگاه مورخان اسماعیلی و غیراسماعیلی مورد بررسی قرار داده است. نویسنده علاقه‌مندی متکلمان و صاحب‌نظران فاطمی، بینش و اولویت خاص فاطمیان و توجه آنها به مسائل دینی، فلسفی و کلامی را از اصلی‌ترین دلایل عدم رشد تاریخ‌نگاری فاطمیان به شمار می‌آورد.<sup>۱</sup> همچنین تأکید دارد که این ضعف در اوایل تاریخ فاطمیان به علت فعالیت‌های پنهانی و فشارهای سیاسی و تناقض برخی تألیفات اسماعیلیان اولیه با عقاید آنها در زمان تشکیل خلافت، چشم‌گیرتر بوده است. نویسنده در ادامه به بررسی آثار قاضی نعمان (متوفی ۳۶۳ هـ. ق)، از مهم‌ترین مورخان فاطمی، و تأثیر وی بر تاریخ‌نگاری‌های بعدی می‌پردازد. نویسنده متذکر می‌شود که بیشتر آثار مورخان فاطمی در دوره ایوبیان و ممالیک از بین رفته و اطلاعات به دست آمده در مورد فاطمیان بیشتر توسط مورخان غیراسماعیلی اهل تسنن و در غالب تاریخ‌نگاری سلسله‌ای، محلی و تاریخ عمومی نگاشته شده است، که آنها نیز همواره نظری مغرضانه نسبت به فاطمیان داشته‌اند.

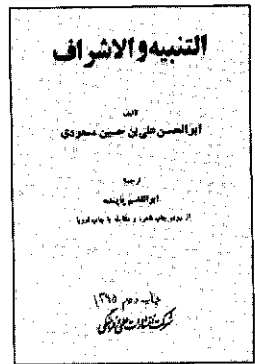
بخش هشتم این مجموعه مقاله‌ای با عنوان تکوین تاریخ‌نگاری اسلامی، ترجمه بخشی از کتاب التاریخ العربی و المورخون، اثر مصطفی شاکر است. نویسنده مبحث خود را با ذکر شمه‌ای از تاریخ و تاریخ‌نگاری نزد اعراب قبل از اسلام آغاز می‌کند. شاکر کتیبه‌ها، نقاشی‌ها و اخبار شفاهی را شیوه‌های

تاریخ‌نگاری اعراب پیش از اسلام و داستان‌ها و ایام‌العرب‌ها را عناصر اصلی تاریخی عهد جاهلیت اعراب می‌داند. نویسنده تاریخت اسلام، نیازهای اندیشه‌ای (فکری و روانی)، نیازهای کاربردی و روزمره و عواملی دیگر مانند تأسیس تقویم هجری، اهمیت انساب، تشویق خلفا، حرکت نهضت شعوبی و پیدایش کاغذ را از عوامل اولیه رویکرده تاریخ در دوره اسلامی می‌داند.

در مقاله نهم این اثر با عنوان سهم و نقش مورخان شیعه در تاریخ‌نگاری اسلامی، خانم جان‌احمدی یکی از ابعاد تاریخ‌نگاری اسلامی را در قالب نقش شیعیان مورد بررسی قرار داده و نیاز معرفتی به سیره رسول خدا (ص) و صحابه ایشان و آشنایی با راهبردهای حکومتی آنان را سبب تقویت انگیزه مسلمانان برای اهتمام به تاریخ می‌داند. در این مقاله نقش مورخان شیعی در تاریخ‌نگاری اسلامی در زمینه‌های سیره، انساب، تاریخ عمومی، مغازی، شرح مقتل و فتن و ملاحم مورد بررسی قرار گرفته و افراد سرشناس در هر زمینه تا قرن چهارم هجری به تفکیک براساس اوضاع و مشکلات سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی رودرروی آنها بررسی شده‌اند. در مقاله، زیست‌نامه، آثار و گفتمان فرهنگی در تاریخ‌نگاری یعقوبی، جا داشته که محقق ارجمند به جای اطاله کلام و پرداختن به آن زندگی‌نامه و آثار یعقوبی که در اکثر تواریخ اسلامی کمابیش به آن پرداخته شده است، جنبه‌های دیگری را مورد توجه قرار می‌دادند. در مورد عنوان مقاله نیز به کاربردن واژه «زیست‌نامه» به جای «زندگی‌نامه» غریب به نظر می‌رسد. در عین حال پرداختن به گفتمان فرهنگی تاریخ‌نگاری یعقوبی از جنبه‌های مثبت این مقاله محسوب می‌شود، به ویژه بررسی تأثیر اندیشمندان غرب و جهان باستان، خاصه هندیان در تاریخ یعقوبی قابل ستایش است. آقای حضرتی در بررسی روش تحقیقاتی یعقوبی وی را نخستین مورخ مسلمانی می‌داند که به تحقیق میدانی<sup>۲</sup> روی آورده و به ابتکار و نوآوری در ایجاد پیوند و رابطه بین دو حوزه از دانش‌های اسلامی (جغرافیا و تاریخ) دست زده است. همچنین توجه خاص یعقوبی به تاریخ اقتصادی، طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اوضاع جغرافیایی و جهان‌نگری را نشان‌دهنده بینش فکری عمیق یعقوبی می‌داند. نویسنده تاریخ یعقوبی را نخستین اثر تاریخ‌نگاری اسلامی به شمار می‌آورد که با رویکردی جهانی به تاریخ نگاشته شده است.

عنوان مقاله بعدی تاریخ‌نگاری نظامی در اسلام است. این مقاله ترجمه بخشی از فصل پنجم کتاب الفن العسکری الاسلامی، اصوله و مصادره تألیف دکتر یاسین سوید است که در سال ۱۴۱۱ قمری در بیروت به چاپ رسیده است. این مقاله به بررسی قوانین، اصول و





**دکتر اکبری بر رابطه دوسویه متن تاریخی و مورخ اشاره داشته و بر به کارگیری هم زمان نظریه های علوم اجتماعی و انسانی و توجه به ویژگی های منحصر به فرد تاریخی یک سرزمین در تحقیقات تاریخی تأکید دارد**

احکام جنگ در آثار مورخان اسلامی که مباحث نظامی تاریخ اسلام را مدنظر داشته اند، پرداخته است. تأکید نویسنده بر آثار مورخان اهل تسنن است، چنان که آثار امام شافعی را به تفصیل شرح و بسط می دهد. با وجود این که این مقاله اطلاعات زیادی درباره تاریخ نگاری نظامی در اختیار خواننده قرار می دهد، اما بیشتر به صورت گردآوری مطالب از منابع مختلف بوده و نویسنده کمتر به تحلیل مطالب پرداخته است.

در مقاله ای دیگر آقای محمدحسین منظوراجداد به بررسی زندگی نامه، آثار و شیوه تاریخ نگاری مسعودی می پردازد. وی نقایص متعدد درباره زندگی و آثار مسعودی را انگیزه اصلی خویش در نگارش این مقاله ذکر می کند. در این مقاله نویسنده تأکید خود را بر دو اثر به جا مانده از مسعودی، یعنی تنبیه الاشراف و مروج الذهب، قرار داده است و از طریق بررسی در این دو کتاب، به شیوه تاریخ نگاری مسعودی و نقاط ضعف و قوت او اشاره می نماید. متأسفانه در این مجموعه مقالات به کرات از مسعودی و شیوه تاریخ نگاری وی بحث شده و در این بین مطالب تکراری زیادی وجود دارد. جا دارد که ویراستار محترم در چاپ های بعدی این مسئله را مدنظر قرار دهند. نویسنده مقاله در بحث از زندگی نامه مسعودی به این نتیجه می رسد که وی از اعقاب عبدالله بن مسعود، صحابی نامور پیامبر بوده و در محله مسعودبغداد پرورش یافته است.<sup>۱۱</sup> در ادامه به شرح مسافرت های مسعودی پرداخته و ثمره مسافرت های وی را چنین ذکر می کند: جغرافیا و احوال ملل؛ شکل گیری نظریات ویژه در ذهن مسعودی؛ آگاهی بر اسرار اقوام و ملل و دست یابی به منابع نادر و کمیاب. او شیوه تاریخ نگاری مسعودی را «ترکیب مزجی از علوم و اخبار» می داند که از آن برای نگارش تاریخ باستان و دوره اسلامی استفاده می کرده است. دو ویژگی مهم آثار مسعودی را دقت وی در تاریخ اجتماعی و اقتصادی می داند.

در مقاله گفتمان انتقادی در تاریخ نگاری مسعودی، آقای بهرامی مانند دیگر مقالات این مجموعه به دفعات به زندگی نامه مسعودی و بررسی ابعاد و ویژگی های شخصی، فکری، اجتماعی، علمی و روش گردآوری اطلاعات و منابع مورد استفاده او پرداخته است. نویسنده بینش تاریخی مسعودی را منحصر به فرد و فراتر از رویکردهای سیاسی وقایع نگارانه می داند که حوزه های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی و... را نیز در برمی گیرد. از جنبه های مثبت این مقاله بررسی زمینه های ظهور بینش انتقادی و ماهیت تحول زمانه مسعودی و روش نقادانه او در برخورد با تاریخ و تاریخ نگاری است که تا قبل از وی کسی با این شیوه به تاریخ نپرداخته بود و بعد از وی نیز تا زمان ابن خلدون چنین رویکردی را شاهد نیستیم.

مقاله دیگر این اثر با عنوان مکتب تاریخ نگاری عراق؛ پیدایش و تحول، ترجمه قسمتی از کتاب بحث فی نشأة علم التاریخ عند العرب تألیف عزیزالدوری است. نویسنده مقاله به بررسی گرایش های اهل حدیث و گرایش عشیره ای در تاریخ نگاری اسلام و سابقه و روال آن

پرداخته و سیر تاریخی آن را از روایات شفاهی تا روایات مکتوب بررسی نموده است. وی از کوفه و بصره به عنوان مرکز گرایش عشیره ای تاریخ نگاری و مرکز مکتب تاریخ نگاری عراق نام می برد. دوری، اخباریون را که توجه خود را به امور عراق معطوف نموده بودند، نخستین مورخان این مکتب تاریخ نگاری می داند. همچنین قرن سوم هجری را که در آن اندیشه وحدت اسلام ظهور کرد، نقطه عطفی در تاریخ نگاری اسلامی به شمار می آورد.

در مقاله اندیشه مشیت الهی در تاریخ نگاری اسلامی، آقای حسن زاده با مطالعه موردی جهانگشای جوینی به بررسی مسئله قضا و قدر و مشیت الهی در تاریخ نگاری اسلامی می پردازد. نویسنده در ابتدا مختصری درباره معنای لغوی قضا و قدر بحث می کند و قضا را به معنی حکم، قطع و فیصله دادن، و قدر را به معنای «اندازه و یقین»<sup>۱۲</sup> تعریف می کند. نویسنده در ادامه ضمن بررسی چارچوب نظری بحث، عقاید مرجئه در قرن اول هجری، معتزله در قرن دوم و قدریه را در این باره توضیح می دهد.

نویسنده معتقد است که اعتقاد به قضا و قدر در پدیده های تاریخی ماهیت و ضرورت ارزش داوری رخداده را زایل می سازد، زیرا ارزش داوری زمانی مفهوم پیدا می کند که انسان مختار باشد نه مأمور و معذور. وی معتقد است جوینی مشیت الهی را در حوادث زمانه مغول مؤثر می داند، بنابراین بسیاری از حوادث این دوره را متأثر از قضا و قدر ذکر می کند.

مقاله آخر تحت عنوان تاریخ نگاری اسلامی در گستره پژوهش، نوشته سیدحسین فلاح زاده، نوعی مآخذشناسی توصیفی تاریخ نگاری اسلامی است که به معرفی کتاب ها و مقالات محققان و پژوهشگران ایرانی، عرب و غربی درباره تاریخ نگاری اختصاص دارد.

#### پی نوشت ها:

۱. رادمنش، عزت الله، مکتب های تاریخی و تجددگرایی تاریخ، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی پیک ستاره دانش، ۱۳۷۹.
۲. همان، صص ۱۷۲-۱۴۶.
۳. همان، ص ۳۰۳.
۴. همان، صص ۳۰۶-۳۰۴.
۵. حضرتی، حسن، دانش تاریخ و تاریخ نگاری اسلامی، قم، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۲، ص ۶۵.
۶. همان.
۷. همان، ص ۷۵.
۸. همان، ص ۱۰۸.
۹. همان، ص ۲۶۰۶.
۱۰. همان، ص ۲۹۶.
۱۱. همان، ص ۳۸۱.
۱۲. همان، ص ۴۸۸.